

هم‌پاری انسان‌هایی دارد که برای جهانی بهتر - عاری از استثمار و ستم - مبارزه می‌کنند.

مه ۲۰۰۰

## منابع

- بولاک، اندی: تکنولوژی اطلاعاتی و خودمدیریتی سوسیالیستی، برگردان ح. آزاد، کتاب پژوهش کارگری، شماره ۳، بهار ۱۹۹۹، صفحات ۱۷۰-۱۴۹.
- جهانی شدن و جنبش سندیکایی، ترجمه و تکثیر از کمیون ارتباطات سندیکایی ایران، ۱۳۷۷
- سعیدی، ناصر: اشکال مدیریت سرمایه‌داری و سازمان‌دهی کار در سوسیالیسم، کتاب پژوهش کارگری، شماره ۳، بهار ۱۹۹۹، صفحات ۸۵-۳.
- سعیدی، ناصر: تاریخچه‌ای از مبارزات و بحث‌های پیرامون کنترل و مدیریت کارگری، کتاب پژوهش کارگری شماره ۱، تابستان ۱۹۹۸، صفحات ۱۵۰-۸۹.
- صفوی، بیژن: قلم‌روی جدید گات و تحولات بین‌المللی تولید در قالب تئوری نئوکلاسیک، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، بهمن و اسفند ۱۳۷۴.
- علمداری، کاظم: شرایط نوین، نگرشی نو می‌طلبدا، جنبش دوم، شماره ۴، دی ماه ۱۳۷۸، صفحات ۱۱۸-۱۰۷.
- محمودی، جلیل: اتحادیه‌ها و موانع و محدودیت‌های قانونی اعتصاب در آلمان، انتشارات انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی، ژوئیه ۱۹۹۲.
- محمودی، جلیل: اندیشه‌هایی کار از سرمایه در جنبش کارگری، کتاب پژوهش کارگری، شماره ۲، پاییز ۱۹۹۸، صفحات ۱۳۸-۸۵.
- مهتدی، عبدالله: شکل‌های کارگری: لزوم یک نگرش و یک سیاست جدید، افق سوسیالیسم، شماره ۳، صفحات ۵۴-۱۳.
- مهیعی، خدیجه و صالحی، شهلا: "شیون سالاری" و "شرح مصائب" راه حل بهبود

زندگی زنان کارگر، جنس دوم، شماره ۲، خرداد ۱۳۷۸، صفحات ۸۵-۷۷.

- Barber, Benjamin R.: Coca Cola und Heiliger Krieg - Wie Kapitalismus und Fundamentalismus Demokratie und Freiheit abschaffen, Bern / München / Wien 1996
- Bergmann, Joachim: Rationalisierungsdynamik und Betriebsgemeinschaft: Die Rolle der japanischen Betriebsgewerkschaften, München / Mering 1990
- Deutschmann, Christoph: Sind dezentralisierte Formen der Interessenvertretung überlegen? Zur Lage der japanischen Gewerkschaften, in: W. Müller-Jentsch (Hg.): Zukunft der Gewerkschaften - Ein internationaler Vergleich, Frankfurt / New York 1988
- Durand, M.: Die Weltbank - eine riesige Geldeintreibungsagentur, in: Inprekorr, Sep. 1994
- EGI (Europäisches Gewerkschaftsinstitut): Die Gewerkschaftsbewegung in Großbritannien, Brüssel 1986
- Hirsch, Joachim: Der nationale Wettbewerbsstaat. Staat, Demokratie und Politik im globalen Kapitalismus, 2. Auflage: Berlin / Amsterdam 1996
- Institut zur Forschung der europäischen Arbeiterbewegung (Hg.): Konflikt und Kooperation - Strategien europäischer Gewerkschaften im 20. Jahrhundert, 1. Auflage Juni 1988
- Müller-Jentsch, Walther: Soziologie der industriellen Beziehungen- Eine Einführung, 2. erweiterte Auflage: Frankfurt / New York 1997
- Müller-Jentsch, Walther: Zukunft der Gewerkschaften- Ein internationaler Vergleich, Frankfurt / New York 1988

- Olney, Shauna L.: Unions in a changing World: Problems and Prospects in selected industrialized countries, Industrial Labour Office, Geneva 1996
- Rixinger, B.: Für einen Perspektivenwechsel gewerkschaftlicher Politik, in: Redaktion Sozialismus und Redaktion express (Hg.): Perspektiven der Gewerkschaftslinken: Diskussionen, Positionen, Materialien, Hamburg 1999
- Scheer, Hermann: Zurück zur Politik - Die archimedische Wende gegen den Zerfall der Demokratie, München 1995
- Schneider, Michael: Globalisierung - Mythos und Wirklichkeit, in: Gewerkschaftliche Monatshefte, 3 / 1997
- Supek, Rudi: Arbeiterselbstverwaltung und Sozialistische Demokratie, Hannover 1978
- Wilke, Ulrich: Die Betriebsloyalität der japanischen Gewerkschaften - Garantie für Wirtschaftsfriedlichkeit?, Hannover 1992
- Wirz, J. Paul: Der revolutionäre Syndikalismus in Frankreich, herausgegeben von M. Saitzew, Zürich 1931

## برگی از تاریخ جنبش کارگری ایران

### معرفی نشریه "خبرکارگر"

"کتاب پژوهش کارگری" می‌کوشد به فراخور امکانات، بخشی از صفحات خود را به معرفی ابتکارات مستقل کارگران و هم‌چنین اسناد مربوط به تاریخ جنبش کارگری ایران اختصاص دهد. در همین راستا در شماره اول منتخبی از اخبار درج شده در مطبوعات ایران را در باره مبارزات کارگران در سال‌های ۵۸-۱۳۵۷ چاپ نمودیم.

در این شماره نیز به معرفی نشریه "خبرکارگر" که در سال‌های ۵۹-۱۳۵۸ در ایران چاپ می‌شده، می‌پردازیم. "خبرکارگر" ماهنامه‌ای خبری - سیاسی بود که اساساً توسط عده‌ای از کارگران صنایع تهران نگاشته، چاپ و در کارخانه‌های تهران و برخی از شهرهای دیگر توزیع می‌شد. "خبرکارگر" گرایش قوی سوسیالیستی داشت و به افشای سیاست‌های ضد کارگری جمهوری اسلامی می‌پرداخت. ایده انتشار این نشریه، چگونگی تهیه اخبار و گزارشات برای آن، از خود کارگران بود. امکانات فنی و مالی آن را خود کارگران تهیه می‌کردند.

برای آشنایی بیشتر با این نشریه، گفتگویی داشتیم با یکی از دست‌اندرکاران و مسئولین "خبرکارگر" که در زیر از نظر تان می‌گذرد. پس از آن گفتگو، گزارشی از "خبرکارگر" شماره ۸، فروردین ۱۳۵۹، با عنوان "نظر کارگران - نظر عاملان رژیم" را به چاپ می‌رسانیم. در این سند تاریخی بخشی از بحث‌های کارگران در چند اجتماع کارگری آن دوره، منعکس شده است. مطالعه این سند ما را به دنیای پرجوش و خروش کارگران در دوره پس از قیام بهمن ۱۳۵۷ می‌برد.

# گفتگو در باره "خبر کارگر"

کارگران جهان متحد شوید



پستی: تهران - کورسها: ۱۰۰  
تلفن: ۱۰۰۰  
مخبر: ۱۰۰۰

## خبر کارگر

روزنامه



شماره ۱۰۰

مخبر: ۱۰۰۰

### رسالت دوباره سازی جهان همچنان بردوش کارگران است

کارگران جهان! این رسالتی است که بر شما باد. رسالتی است که در هر روز و در هر لحظه از زندگی شما جاریست. رسالتی است که در هر لحظه از زندگی شما جاریست. رسالتی است که در هر لحظه از زندگی شما جاریست. رسالتی است که در هر لحظه از زندگی شما جاریست.

کارگران جهان! این رسالتی است که بر شما باد. رسالتی است که در هر روز و در هر لحظه از زندگی شما جاریست. رسالتی است که در هر لحظه از زندگی شما جاریست. رسالتی است که در هر لحظه از زندگی شما جاریست. رسالتی است که در هر لحظه از زندگی شما جاریست.

کارگران جهان! این رسالتی است که بر شما باد. رسالتی است که در هر روز و در هر لحظه از زندگی شما جاریست. رسالتی است که در هر لحظه از زندگی شما جاریست. رسالتی است که در هر لحظه از زندگی شما جاریست. رسالتی است که در هر لحظه از زندگی شما جاریست.

کلیشه‌های از تشریح «خبر کارگر»

نشریه خبر کارگر چطور شکل گرفت؛ چطور شد که به فکر انتشار یک نشریه کارگری افتادید؟

- جمع اولیه‌ای که بعداً "خبر کارگر" را منتشر کرد از ۵ نفر تشکیل می‌شد. در اوایل سال ۵۸ رفیق عزیزی که هر ۵ نفر ما را می‌شناخت ترتیب ملاقات ما را داد. البته ما همدیگر را می‌شناختیم ولی ارتباط نزدیک نداشتیم. آن رفیق ما را ترکیب خوبی برای کارهای مشترک در زمینه مسایل کارگری ارزیابی می‌کرد. نخستین دیدار ما در یک نقطه خوض آب و هوا در حوالی تهران (جاجرود) برگزار شد. اولین موضوعی که به طور خودانگیخته در آن برهه زمانی حساس در باره‌اش صحبت کردیم، اخبار مربوط به محیط‌های کار و کارخانه‌ها بود. هر کدام از ما اخباری از کارخانه‌ها و جگونگی مبارزات درون کارخانجات در چته داشتیم و آن را بازگو می‌کردیم، حتی خودمان هم انتظارش را نداشتیم که در این جمع کوچک این مقدار مطالب گفتنی (اطلاعات و خبر) وجود داشته باشد. با وجود شرایط نسبتاً باز سیاسی آن زمان، این اخبار و اطلاعات فقط در نشریه‌های گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی به طور جسته و گریخته و یا کاستی‌ها انتشار می‌یافت که آن هم به دست تعداد معدودی از کارگران در ارتباط با این تشکلات می‌رسید. با دریافتن این خلاء و برای جلوگیری از اتلاف وقت، قرار گذاشتیم در دیدار آینده اخبار و اطلاعات مان را به صورت کتبی به همراه داشته باشیم تا در صورت امکان بتوانیم مجموعه‌ای از آن‌ها را روی چند صفحه کاغذ بیاوریم و بین کارگران توزیع کنیم. راه صد ساله را در همان دیدار اول یک‌شنبه طی کردیم. برخوردها خیلی صمیمانه و باز بود. لزوم ادامه ارتباط احتیاج به بازگو کردن نداشت. یکی از عوامل به وجود آورنده چنین فضایی، رابطه مملو از اعتماد و صمیمانه همگی ما با آن رفیق ارتباط دهنده و نداشتن تعلقات گروهی، سازمانی و یا حزبی تک تک ما بود. هر کدام از ما بر حسب شغل و محیط زندگی مان در ارتباط با طیفی از کارگران قرار داشتیم.

بار دوم خواندن اخباری که هر یک از ما تهیه کرده بود، چندین ساعت طول کشید. قرار شد یکی از ما که دستی به قلم داشت و قبلاً هم در باره مسایل کارگری نوشته‌هایی داشت، مسئولیت ویراستاری و تنظیم این اخبار را به عهده بگیرد.

در جلسه سوم خبرهایی که ویراستاری و تنظیم شده بود، به چندین صفحه می‌رسید. تصمیم گرفتیم خبرها را به صورت بولتنی درآوریم و در اختیار عده بیشتری قرار دهیم. به این ترتیب ایده منتشر کردن "خبر کارگر" متولد شد. هر ۵ نفر ما به این توافق رسیدیم که فقط از

طریق امکانات محدود خودمان و بدون کمک سازمان‌ها و جریانات، وسایل تهیه و چاپ نشریه را فراهم کنیم. از آن‌جا که شغل اصلی‌ام در چاپ‌خانه بود، با رفقای بسیار عزیزی که سالیان سالی در کنارشان آموزش دیده‌ام و کارهای مشترکی را مستقل از سازمان‌ها با آن‌ها به پیش می‌بردم، ارتباط داشتم. آن‌ها ما را یاری دادند و کار حروف چینی و صفحه بندی را به عهده گرفتند. چاپ نشریه هم در یکی از چاپ‌خانه‌های کوچک آشنا صورت می‌گرفت. آرم "خبر کارگر" را هم یک گرافست ایرانی - یکی از دوستان رفیق تنظیم کننده مطالب - تهیه کرده بود.

در آن روزگار کارگران از نظر ما منت‌شان پر، فریادشان رسا ولی پشت‌شان خالی بود. بدین معنی که از نداشتن یک تشکل مستقل و هم چنین از یک سازمان رزمنده و آگاه به مسایل کارگری و کمونیستی رنج می‌بردند. در بالای صفحه اول این توضیحات را به طور شفاف ملاحظه می‌کنید.

ما با شوق، شور و قنایم با هم‌یاری عده زیادی کارها را انجام می‌دادیم. به عنوان مثال شماره اول در عرض یک روز حروف چینی شد. سپس فردای آن روز مطالب در جمع تصحیح شد و بعد از آن برای وارد کردن تصحیحات دو باره به حروف چینی سپرده شد، در اسرع وقت به چاپ رسید و فوراً برای توزیع به دست رفقا سپرده شد. تمام سعی ما براین بود که در کوتاه‌ترین مدت این کارها به خصوص با ملاحظه مسایل امنیتی انجام شود. پس از آن هم "خبر کارگر" به همین ترتیب تهیه می‌شد.

### جمع شما چه هدفی را از انتشار "خبر کارگر" دنبال می‌کرد؟

- همه ما آرزو داشتیم و تلاش می‌کردیم کارگران و تمامی زحمت‌کشان در همه جا از هر نوع بهره‌کشی انسان از انسان رهایی یابند. ما معتقد به مبارزه برای ایجاد صف مستقل و حرکت مستقل کارگران بودیم. به همین جهت در گوشه سمت چپ نشریه شعار "کارگران جهان متحد شوید" را داشتیم. برای گوشه سمت راست هم سه خط زیر از سرود انترناسیونالی را انتخاب کرده بودیم:

با دست خود گیریم آزادی  
تا ظلم را از عالم برویم

در پیکارهای بی‌امان  
نعمت خود آریم به دست

دمیم آتش را و بگویم تا وقتی که آهن گرم است

اما هدف از انتشار نشریه همان طور که در شماره ۵ آن در قسمت "سخنی درباره خبر کارگر" آمده است این بود که: در حد توان خود از مبارزات پراکنده کارگران جمع بندی کنیم و جهت تکاملی این مبارزات را پیدا کنیم تا ما کارگران به کمک آن مبارزات خود را مستحکم تر و با درک درست تر به پیش ببریم. "خبر کارگر" ارائه دهنده یک نوع برخورد خاص به مبارزات کارگران بود.

"خبر کارگر" همان طور که از اسمش پیداست در درجه اول نشریه ای خبری بود و تلاش می کرد اخبار کارگری را تحلیل کند و جمع بندی مفیدی از مبارزات کارگران ارائه دهد. این نشریه از همان ابتدا به افشای عمل کردهای ضد کارگری جمهوری اسلامی می پرداخت.

چند شماره "خبر کارگر" چاپ شد. تیراژ آن چقدر بود و نحوه توزیع نشریه چگونه بود؟

- در مجموع ۹ شماره به صورت ماهانه با تیراژ بین ۵ تا ۱۰ هزار نسخه منتشر شد. بیشترین تعداد در کارخانه های مربوط به شرکت نفت، ماشین سازی، جیت سازی و چاپ خانه ها توزیع می شد. هم چنین از طریق دوستان کارگر به شهرهایی مثل آبادان، اصفهان، تبریز، شیراز، مشهد، رشت، ساری و... فرستاده می شد. خوانندگان اکثراً کارگران آشنا با مبارزات کارگری بودند. "خبر کارگر" در کیوسک ها و در سطح شهر به فروش نمی رسید بلکه مستقیماً در محیط های کار توزیع می شد. ما شنیده بودیم که خبرهایی از آن بازتکثیر و در بین کارگران پخش می شود. در یک مورد هم دیدیم که خبری از نشریه - با همان تیر و محتوی - روی کاغذ دیگری چاپ شده بود.

روش ها و موازین کار "خبر کارگر" چه بودند؟ چه نوع رابطه ای با خوانندگان برقرار می کرد؟

- همان طور که قبلاً اشاره شد، هر یک از ما با طیفی از کارگران ارتباط داشت و اخبار از طریق این ارتباطات به ما می رسید، ما در باره این که اخبار کامل و مطبق با واقعیت منعکس شود، حساسیت زیادی داشتیم. بعضی وقت ها بارها بر روی اخبار بحث می کردیم و می کوشیدیم کم بودها و اشکالات را برطرف کنیم. بدین منظور پیش می آمد که برای بیرون



آوردن یک شماره چند جلسه می‌گذاشتیم.

هریک از ما می‌کوشید کارگرانی را که با آن‌ها ارتباط داشت در جهت رساندن اخبار و بحث در باره مسایل کارگری فعال کند. برای مثال اگر کارگری خبری را می‌نوشت و به من می‌داد، من در مورد نوشته او و احیاناً مشکلاتی که داشت با او بحث می‌کردم. او اگر نکات ذکر شده را قبول داشت، نوشته‌اش را تصحیح و گزارش کامل تری می‌آورد. سپس متن کامل شده به جمع آورده می‌شد و درباره‌اش بحث می‌کردیم. اگر خبر کامل تشخیص داده می‌شد که مسئله حل بود، اما اگر هنوز ایراداتی به آن وارد بود دو پاره از آن رفیق کارگر خواسته می‌شد که اطلاعات بیشتری به دست بیاورد تا خبر تکمیل شود. اگر هم تصحیحاتی را در خبر لازم می‌دانستیم، قبل از چاپ در نشریه به اطلاع فرد گزارش دهنده می‌رساندیم. من موردی به یاد ندارم که به نحوه درج خبری اعتراض شده باشد.

گاهی دو یا سه گزارشی از کانال‌های مختلف در باره مسئله واحدی دریافت می‌شد. در این صورت ما همه این گزارشات را به دقت مطالعه و با یک‌دیگر مقایسه می‌کردیم. اگر اختلافاتی در گزارش‌ها وجود داشت این مسئله با تمامی افراد در میان گذاشته می‌شد و از آن‌ها می‌خواستیم بیشتر در این مورد تحقیق کنند.

تمام تلاش ما این بود که هیچ تحریفی در خبرها صورت نگیرد و مسئله به همان شکلی که بوده - نه کم‌تر نه بیشتر - منعکس شود. در عین حال به خوبی آگاه بودیم که شیوه نگرش خاصی به اخبار داریم و تحلیل و جمع‌بندی خودمان را هم ارائه می‌دادیم. برای مثال قطعه‌ای از "خبر کارگر" شماره ۵، صفحه اول را نقل می‌کنم:

دبرای "خبر کارگر" نقل هر خبر خود ارائه تحلیل و جمع‌بندی آن هم هست. اتفاقات، حرکات، واکنش‌ها و گفته‌ها بر روی هم یک خبر را می‌سازند و روی هم رفته حلقه‌های اصلی فهم خبر را تشکیل می‌دهند. به زبان دیگر نقل هر خبر به خام‌ترین نوع آن هم گویای فهم نقل کننده و به نوعی تفسیر و تحلیل آن خبر نیز می‌باشد.

وقایع چنان که فهمیده شده‌اند بازگو می‌شوند مثلاً کافی است یک خبر واحد را از دو، سه یا چند منبع مطلع پیرسید و یا در چند نشریه بخوانید. خواهیم دید که هر کدام بر مسایل خاص در آن تکیه می‌کند و بدین طریق خبر را به نوعی خاص (براساس پایگاه طبقاتی خود) فهمیده‌اند و ناچاراً با این فهم "راه خاص عقلی" خود را هم ارائه می‌کنند.

قاعده دیگری که ما می‌کوشیدیم در فعالیت‌مان رعایت کنیم، این بود که خوانندگان و

طیفی را که با آنان ارتباط داشتیم تشویق می‌کردیم، نشریه را از آن خود بدانند. اگر اشتباه و یا انحرافی در آن نشریه می‌بینند، از آن انتقاد کنند و نگذارند نشریه به بی‌راهه برود. به عنوان مثال ما در تمام شماره‌های 'خبر کارگر' قطعه‌ای را با عنوان 'غلط را بگویم' چاپ می‌کردیم که در هیچ یک از نشریات آن زمان چنین کاری سابقه نداشت. متن قطعه‌ای که به چاپ می‌رساندیم به شرح زیر است: «کارگران! نگذارید در نشریه‌ای که برای شما منتشر می‌شود خبر دروغ و یا اشتباه وجود داشته باشد. کارگران! هر برخورد، هر تحلیل و هر سمت‌گیری نشریه را با مبارزات خود محک بزنید، اشتباهات و کجی‌ها را بگویید. نگذارید سمت‌گیری‌ها و تحلیل‌های غلط مبارزات کارگران را به انحراف بکشاند. آن‌ها را در میان خود کارگران افشا کنید و اگر امکان داشتید برای 'خبر کارگر' روشن کنید که چرا فلان تحلیل یا سمت‌گیری غلط است.»

ما روی کلمه به کلمه قطعه بالا در جمع‌مان بحث کرده بودیم و واقعاً به آن معتقد بودیم. ما اعتقاد داشتیم که نوشته‌های‌مان هنوز پخته نیست و باید اشتباهات‌مان تذکر داده شود. به کارگران می‌گفتیم این نشریه مال خود شماست و نگذارید سمت‌گیری‌های غلطی داشته باشد. قاعده دیگری که در جمع ما رعایت می‌شد، توجه به مسایل امنیتی بود. به عنوان مثال هیچ‌کدام از ما ۵ نفر - یا آن که به یک‌دیگر اعتماد داشتیم - از روابط هم دیگر خبر نداشتیم. در مورد حروف چینی و چاپ هم ترتیبی داده بودیم که 'خبر کارگر' در چاپ‌خانه نماند و همان روز خارج شود. هم‌چنین برای احتیاط بیشتر آرم و اسم نشریه، سرصفحه و عنوان‌های مطالب را در آخرین ساعات چاپ به آن اضافه می‌کردیم. تا قبل از آن مطالب تنها به صورت یک تعداد خبر به نظر می‌آمد و نه یک نشریه کارگری معین.

امکانات مالی، فنی و پخش نشریه چه بود، چگونه توانستید بدون کمک‌های جریان‌های سیاسی و به طور مستقل نشریه را اداره کنید؟

- در مجموع می‌شد هزینه‌های تهیه و چاپ را به چهار قسمت تقسیم کرد. اول حروف چینی که خرجی نداشت، چون رفتایی که مسئول آن بودند با علاقه هم‌کاری می‌کردند و پولی نمی‌خواستند. دوم فیلم و زنگ نشریه که چون آشنایان این امکانات را در اختیارمان می‌گذاشتند، از ما پول کمی می‌گرفتند و یا گاهی اصلاً پول نمی‌گرفتند. سوم هزینه چاپ بود که باز هم به همان ترتیب خیلی کم برای ما تمام می‌شد. چهارم مسئله تهیه کاغذ بود که با از

طریق آشنایان و یا برخی روزنامه‌هایی که در آن زمان منتشر می‌شدند، آن را به دست می‌آوردیم.

بدین ترتیب هزینه نشریه خیلی کم بود و ما نیاز به امکانات فوق‌العاده‌ای نداشتیم. خرج نشریه را هم از طریق فروش آن تأمین می‌کردیم. به این شکل که هزینه‌های هر شماره را برآورد می‌کردیم و با توجه به تیراژ آن، قیمت هر شماره را تعیین می‌کردیم. معمولاً هم برای احتیاط یک یا دو قران قیمت را بیش از هزینه‌های برآورد شده تعیین می‌کردیم. قیمت هر نسخه بسته به شماره‌های مختلف بین ۶۰ تا ۲۰ ریال بود.

توزیع نشریه هم از طریق طیف کارگرانی که هر یک از ما با آن‌ها در ارتباط بودیم، صورت می‌گرفت. هر کدام از ما مشخص می‌کردیم که چه تعداد نشریه را از طریق روابط خود می‌توانیم پخش کنیم و معمولاً بول آن تعداد نشریه را همان موقع و یا بعداً می‌پرداختیم. سپس هر فردی مسئول پخش سهم خود می‌شد. اگر هم کسی نشریاتی را نمی‌توانست به فروش برساند و نسخه‌هایی از نشریه را برمی‌گرداند، بولی بابت آن‌ها به وی پس داده نمی‌شد. بدین ترتیب هر کس می‌گوشید فقط همان تعداد نشریه را که قادر به پخش آن بود، بگیرد.

**گفتید که در مجموع ۹ شماره از "خبرکارگر" منتشر شد. چرا پس از آن انتشار نشریه متوقف گردید؟**

- عمده‌ترین مسئله، وسیع شدن ارتباطات نشریه بود. عده‌ای از کسانی که خبرها را به نشریه می‌رساندند، می‌خواستند شخصاً در جلسات ما شرکت کنند و در همه کارها مستقیماً دخالت داشته باشند. جمعی از آن‌ها توقع داشتند نشریه به یک ابزار سازماندهی تبدیل شود. و به امر وحدت تشکیلاتی کارگران یاری رسانند. شرایط جامعه نیز این موضوع را می‌طلبید. حتی پیشنهاد شد که در مناطق مختلف کشور - از جمله آبادان، گیلان، مازندران، آذربایجان و... - نشریه "خبرکارگر" منتشر بشود. اما توانایی جمع کوچک ما محدود بود. ما قادر نبودیم مناطق دیگر کشور را سازمان دهیم و "خبرکارگر" را به یک ارگان سراسری تبدیل کنیم. به علاوه از نظر کارهای اجرایی هم همان ۵ نفر کافی بودند و اضافه شدن تعداد دیگری به ما باعث نمی‌شد که کارها سریع‌تر و بهتر پیش برود. این مسئله از نظر امنیتی هم خطرناک بود. این انتظارات و پیشنهاداتی که مطرح شد، باعث‌های زیادی را در بین ما به وجود آورد. در چندین جلسه درباره آینده "خبرکارگر" گفتگو کردیم. تعدادی از ما - از جمله من - معتقد

بودیم که "خبر کارگر" دارای این ظرفیت نیست که در خدمت ایجاد یک تشکیلات درآید و در چنین حالتی از راه خود منحرف می‌شود و احتمالاً عده زیادی دستگیر خواهند شد و جان‌شان به خطر خواهد افتاد.

ما از ابتدا قرار گذاشته بودیم که حتی اگر یک نفر از جمع ما خارج شود و یا با ادامه انتشار نشریه موافق نباشد، چاپ آن متوقف شود. به همین جهت چون در باره آینده "خبر کارگر" به توافق نرسیدیم، پس از بحث‌های بسیار در اواسط سال ۱۳۵۹ کار انتشار نشریه متوقف گردید. البته تمام گفتگوها و نقطه نظرات مان را در بین رفقای نزدیک "خبر کارگر" مطرح کردیم و آن‌ها از تمام کم و کیف موضوع با خبر بودند. همه ما در محیطی صمیمانه و دوستانه همکاری مان را به پایان رساندیم.

در مجموع من علت اساسی توقف نشریه را در این می‌بینم که ما به شکل محفلی فعالیت مان را شروع کردیم و چشم‌اندازی برای آینده کارمان نداشتیم. به همین دلیل هنگامی که دامنه کار و فعالیت مان وسیع شد، نتوانستیم با امکانات محدود مان به نیازهای جدید آن پاسخ مناسب بدهیم.

با همه این احوال فعالیت "خبر کارگر" را در مجموع مثبت ارزیابی می‌کنم و انتشار آن را یکی از دوران‌های بسیار خوب زندگی و فعالیت سیاسی ام می‌دانم و با سرافرازی از همکاری با رفقای "خبر کارگر" یاد می‌کنم. به خصوص آن که این نشریه توانست بخشی از اخبار مربوط به دوره مهمی از تاریخ جنبش کارگری ایران را ثبت کند.

طبعاً این برداشت، تعبیر و تفسیر من است. رفقای دیگر دست‌اندرکار ممکن است تعبیر و تفسیرهای دیگری داشته باشند. من به سهم خودم خیلی خوشحال خواهم شد اگر آن‌ها هم نظرات‌شان را مطرح کنند تا تصویری همه جانبه از فعالیت این نشریه ارائه شود.

## نظر کارگران - نظر عاملان رژیم

(در باره شوراهای کارگری)

متن زیر از "خبرکارگر" شماره ۸ فروردین ۱۳۵۹، بازنویسی شده است.

کارگران ایران برای مشکل شدن گام‌های سریع‌تری برمی‌دارند و امروزه شاهد ایجاد تشکلات مختلفی هستیم که کارگران و تشکلات کارگری چندین واحد تولیدی را در بر می‌گیرد.

کارگران برای پیشبرد منافع صنفی و صنفی - سیاسی خود به چه نوع تشکلاتی نیاز دارند؟ برای ایجاد چنین تشکلاتی از چه راه‌هایی باید اقدام کنند؟ حدود، وظایف و دایره عمل این تشکلات چه باید باشد؟ و چه آینده‌ای برای آن می‌توان پیش‌بینی کرد؟ کارگران از هر فرصت سود می‌جویند و نظرات خود را ارائه می‌کنند. تشکلات کارگری به بررسی این مایل می‌پردازند. دارودسته‌های مختلف رژیم نیز با تکیه به قدرت حکومتی سعی در تحمیل تشکلات مورد نظر خود به کارگران دارند تا از این طریق منافع خود را منافع کارگران نشان دهند.

در زیر قسمت‌هایی از سخنان کارگران که طی دو جلسه در باره شورا، سندیکا و اهمیت و نقش هر یک در "کانون شوراهای شرق تهران" ایراد شده به علاوه قسمت‌هایی از سخنان کارگران و مسئولین امر که در سه سمینار دولتی ایراد شده آورده می‌شود. این سه سمینار برای بررسی مسئله شوراها و مشکلات کارگران از طرف مقامات حکومت و انجمن‌های اسلامی که در رابطه با حکومت قرار دارند برگزار شد.

در هر یک از جلسات هر یک از افراد شرکت کننده - اعم از کارگر، غیر کارگر یا ضد

کارگر- با توجه به دامنه دید خود به سخنرانی پرداخته و نظرات خود را ارائه کردند و هریک نشان دادند که با توجه به وضع شان چه انتظاراتی از حاکمان جدید دارند، چه اهمیتی برای کارگران قائل هستند و چه آینده‌ای برای کارگران در نظر دارند.

### تهران- کانون شوراهای شرق تهران جلسات ۳۰ بهمن و ۷ اسفند

در جلسه فوق‌العاده کانون شوراهای شرق تهران که برای بررسی مسئله شورا تشکیل شده بود ابتدا کارگری از کارخانه ایران والوانو (شیرفلکه سازی با ۲۰۰ کارگر) صحبت کرد. او گفت: "با آوردن یک مثال مشخص از کارخانه خودمان نظر خود را در باره شورا می‌گویم. در کارخانه ما بعد از کش و قوس‌های زیاد در هفته گذشته یک شورا بنا گذاشته شد، ولی از ۹ نفر اعضای هیئت اجراییه فقط یک نفر کارگر است، دو نفر کارمند و ۶ نفر بقیه از سرپرست‌ها هستند. مسئله این جااست که خواست کارفرما تنها در تعیین افراد در شورا نبوده است، بلکه کارفرما منافعی هم در عمل کرد شورا دارد. این عمل کرد چیزی است که حتی اگر به وسیله یک شورای کارگری اجرا شود غلط است و آن کنترل تولید کارخانه به وسیله شورا است. تجربه نشان داده که هر جا شورا تمام و یا مقداری از مدیریت و کنترل را به عهده گیرد در مقابل کارگران قرار خواهد گرفت و حالا می‌گویم چطور: یکی از سرپرستان عضو شورای کارخانه والوانو، امروز به یکی از کارگران می‌گفت: "ما که همه سرنوشت خود را به دست داریم و همه چیز مال ماست دیگر چرا باید از مرخصی عید و یا سود ویژه و غیره حرف بزنیم؟ مرخصی برای کسانی که خودشان همه چیز کارخانه را می‌گردانند معنی ندارد." می‌پسند که چطور کارفرما به این وسیله خواست‌های طبیعی کارگران را سرکوب می‌کند؟

او اعضای شورا را در پست‌های مهمی مثل حساب‌داری و انبارداری گماشته است و آن‌ها در این پست‌ها مدیریت را خودشان به عهده دارند. و کارگران تحت مدیریت آن‌ها کار می‌کنند. این‌ها از یک طرف مجبورند به دنبال مواد خام و مشتری و بازار و غیره باشند و از طرف دیگر در محل به عنوان چماق کارفرما بالای سر کارگران باشند. این طوری شورا باید کارخانه را بچرخاند و کارفرما بدون این‌که به کسی پولی بابت مدیریت بپردازد، با گفتن این‌که "می‌خواهم همه چیز را به دست خودتان بدهم" از آن‌ها به عنوان مدیر استفاده می‌کند. کارفرما مثلاً از آن‌ها خواسته است که دفترچه بیمه گرفتن برای کارگران را به عهده بگیرند. حال اگر حتی آن‌ها آدم‌های خوبی هم بودند و به دنبال این کار می‌رفتند، وقت رسیدگی به خواست

کارگران را نداشتند. و یا مثلاً کارخانه "بافکار" که عضو اصلی شورا عرب شناخته شده است، قسمت مهمی از مدیریت را به عهده گرفته بود، با این دخالت در مدیریت، شورا نه تنها شخص سازش کاری مثل عرب را به مجلس خبرگان فرستاد (که الان نمی‌خواهم در موردش حرف بزنم) بلکه ۶۰ کارگر را هم بیرون کرد. این‌ها اعمال ضد کارگری هستند که چه آگاهانه، چه ناآگاهانه، عمل کرد این شوراهاست. درستی اینست که آن شوراهایی که نظارت و کنترل کارخانه را به عهده گرفته‌اند، به دفاتر و خرید مواد خام و فروش نظارت کنند، سندیکا این کارها را نمی‌توانست انجام دهد، شکل تصمیم‌گیری شورا در این موقیعت غلط است.

کارگری از لعاب شیمی گفت: "من با این نظر مخالفم، زیرا ما انقلاب کردیم که قدرت خودمان را اجرا کنیم چرا باید بترسیم؟ ما می‌توانیم کلیه امور را به عهده بگیریم، ما مثل سنگ بنای کارخانه هستیم، پس چرا نباید کنترل همه چیز را به عهده بگیریم؟ آقای خامنه‌ای که کارگران با او مخالفت کرده‌اند در فطق جمعه خود گفته است که در آن زمان (زمان پیغمبر) شورا وجود نداشته، پس آقای خامنه‌ای می‌گوید که قرآن تازه نوشته شده؟ و پیغمبر هم همین چند ماه قبل این حرف‌ها را زده است؟"

کارگری از روغن نباتی ناب: "ما در یک کارخانه و با یک کارخانه طرف نیستیم، بلکه با یک نظام و یک اجتماع سروکار داریم که مشتری‌ها و فروشندگان موادش همه سرمایه‌دار هستند. اگر اداره کارخانه را به عهده بگیریم، آیا همین‌ها نیستند که ما باید با آن‌ها سروکار داشته باشیم؟ اگر همه کارخانه‌ها شورایی با این ماهیت که شما می‌گویید داشته باشند حرف شما درست است. ولی شوراهای موجود شورا نیستند و در واقع سندیکا هستند. ما مثلاً مجبوریم بخاری از شرکت علام‌الدین بخریم، کارخانه علاءالدین به وسیله سرمایه‌دار اداره می‌شود و شورای آن کارخانه هم مثل شورای ما نیست."

کارگر لعاب شیمی ادامه داد: "اگر تمام کارخانه‌ها و علاءالدین هم شورای مشابه داشتند، همه چیز درست می‌شد، مسئله این است که ما همه یک طور عمل نمی‌کنیم. ما نباید از این که حتی دو کشته بدهیم بترسیم، تا حال هفتاد هزار کشته داده‌ایم."

یک کارگر قدیمی می‌گوید: "ما نه تنها دو نفر بلکه هفتاد هزار کشته در سال گذشته دادیم. از سال ۲۲ تا حال ۲۰۰ هزار کشته داده‌ایم و صد البته که باید کنترل همه چیز را به دست بگیریم، با تجربه‌ای که از کشورهای دیگر داریم، هدف از تشکیل شورا در کارخانه و شهر و روستا، همان اداره همه چیز به وسیله شوراهاست و خاتمه دادن به استثمار فرد از فرد، ولی تا

زمانی که سرمایه‌داری وجود دارد، به آن صورت نخواهد بود. ما هم عقب نمی‌نشینیم و ادامه می‌دهیم تا به آن صورت درآید. ما هر چه پول می‌گیریم سرمایه‌گذاری می‌کنیم برای نیروی کار آینده مملکت یعنی تربیت فرزندانمان. ما باید بفهمیم که این رژیم سرمایه‌داریست و در این صورت این رژیم همان رژیم مورد نیاز شوراهای نیست.

کارگری از فیلیس می‌گوید: "کارفرما در کارخانه می‌گفت که اگر شورا درست شود، در کارخانه را می‌بندیم، راست هم می‌گفت چون او می‌دید که کارگران در شوراهای کارخانه‌های دیگر چه می‌کنند. ما ایستادگی کردیم و کارخانه را باز نگاه داشتیم حالا اگر ما آن قدر نیرو داریم که در کارخانه را باز کنیم، پس آن قدر هم قدرت داریم که همه چیز را کنترل کنیم. وقتی که ما وارد گود شدیم تا به آخر پیش می‌رویم، مثلاً در کارخانه سوکلی تبریز کارفرما نخواست ماده اولیه بخرد. کارگران خودشان این کار را کردند، سرمایه‌داران از طریق قانون و کمیته امام و پاسداران و بنیاد مسکن و غیره جلوی رشد ما را می‌خواهند بگیرند. فراموش نکنیم که وقتی از بنیاد مسکن به این جا آمدند که این محل را از ما بگیرند، همین شورای کارگری کارخانه صنایع چوب بود که ایستاد و گفت که "ما هم می‌توانیم چوب‌ها را بسازیم و به این جا بیاوریم و خدمت‌تان برسیم." با توجه به این که حق را در سینی نمی‌گذارند و تعارف نمی‌کنند و آن را باید با تکیه بر نیرویی که در پشت سر داریم بگیریم.

شورا یا کنترل تولید را اگر ما نتوانستیم هم اکنون به وجود آوریم لااقل آن را باید هدف قرار دهیم و بیش رویم تا به دست آوریم، مثل جریان انقلاب بر علیه رژیم پهلوی. ما با این کار دست سرمایه‌داران، دولت و تاجرین و اصناف را که همه طرف سرمایه‌داران هستند، دانه، دانه رو می‌کنیم ولی این در صورتی است که هدف ما مشخصاً شورای مورد علاقه‌مان باشد.

کارگر ایران والوانو گفت: "هدف همان است که سایر دوستان گفتند، ولی باید دید واقعیت، آن چه که الان خارج از این اتاق هست چیست؟ ۳۰ درصد الی ۴۰ درصد سرمایه‌داران هنوز در ایران هستند و می‌توانند بازار را تحریم کنند. جلوی مواد اولیه را بگیرند و مثل یک حلقه زنجیر عمل کنند و جلوی فروش را هم بگیرند. من حرفی در این جا ندارم که هدف باید همان باشد که شما می‌گویید، ولی آیا ۵۰۰۰۰ کارگر آگاه در شرق تهران وجود دارد؟ ولی ما چه کار می‌توانیم بکنیم؟ الان شورایی که فقط یک نماینده کارگر دارد چگونه باید کنترل تولید را به نفع کارگران تمام کند؟ بحث بر سر این نیست که شورا نمی‌خواهد مدیریت را به دست گیرد و یا نمی‌تواند این کار را بکند بحث بر سر این است که سرمایه‌داران نمی‌گذارند. از این واضح تر چه



بگویم.

نماینده شورای کارخانه روغن نباتی ناب می‌گوید: "کارفرما از ما خواسته است که فردا با او درباره کنترل کارخانه صحبت کنیم، معلوم است که او هم یک چنین برنامه‌ای برای استفاده از شورا دارد."

در جلسه فوق‌العاده ۵۸/۱۲/۷ نماینده شورای کارخانه شیمی لعاب نظر خود را که در جلسه قبل هم گفته بود مبنی بر این که شورا و کنترل تولید و فروش و مواد اولیه و ... به وسیله کارگران می‌تواند انجام گیرد گفت:

"همان‌طور که اگر وارد گود کشتی شویم ده بار زمین می‌خوریم و بعد یاد می‌گیریم که چگونه مبارزه کنیم و پیروز شویم، نباید از سختی‌ها بهراسیم. ما باید حداکثر را اول تعیین کنیم و مشکلاتی که سر راهمان می‌آیند را یکی یکی تجربه کنیم و پیش برویم، کارگر قادر است همه توانایی‌ها را در کار داشته باشد و باید کنترل کارها را به دست گیرد، شورا و مشورت یعنی این که عقل‌های خودمان را روی هم بگذاریم، ببینیم چه کار می‌توانیم در جهت منافع حداکثر خود انجام دهیم و مشکلات را حل کنیم."

رئیس جلسه گفت: "شورا را نمی‌توان فقط از یک جنبه بررسی کرد. شورا باید از نظر سیاسی هم بررسی شود. شورای کارگری باید با توجه به کلیه عواملی که در تصمیم‌گیریش مؤثر هستند بررسی شود. باید سیستم، وزارت کار و افکار مختلفی که در میان مردم است بررسی شود. زیرا دولت و افکار عمومی مردم در همه کارهای شوراها مؤثرند. ما نمی‌توانیم الگویی که در اسلام آورده شده است در جامعه خودمان پیاده کنیم. ما باید جامعه خودمان را ببینیم مثلاً کارفرما با یک تلکس ماده اولیه می‌گیرد. اگر شورای کارخانه بخواهد این کار را بکند به او ماده اولیه نمی‌دهند و یا کارخانه جنرال موتورز را در نظر بگیرد. این کارخانه از یکی از کارخانه‌های اطراف این جا در بخاری می‌گیرد. بعد از آن که شورای کارگری کارخانه جنرال موتورز خواست از این کارخانه در بخاری بخرد، این کارخانه به آن‌ها نمی‌فروشد. اگر ما همه مسایل جامعه را در نظر بگیریم، شورا تنها در ذهن باقی خواهد ماند، کارفرماها همه با هم منافع مشترک دارند منافع آن‌ها با کارگران در تضاد متقابل است. مثلاً کارفرما برای نفع خود روغن تولید می‌کند ولی ما کارگران برای نیاز جامعه."

یکی از نمایندگان صنایع چوب می‌گوید: "اگر ما سرمایه‌دار و کارفرما را که قبول نداشته باشیم، کنترل و مدیریت را در دست بگیریم و در آن دخالت هم نکنیم، پس شورا وظیفه‌اش

چیست؟

رئیس جلسه در پاسخ می‌گوید: من نمی‌گویم که شورا نباید در کنترل و مدیریت دخالت نکند و بر همه چیز نظارت نکند. من می‌گویم که نباید کنترل همه چیز را در زمانی که سیستم در اختیار کارگران نیست در دست گیرد. تأمین زندگی کارگران و همه مسایل صنفی کارگران به عهده شورا است و این در زمانی است که قانون به دست وزارت کار است و نه کارگران، زیرا وقتی از کنترل کارخانه صحبت می‌شود مسئله حاکمیت عنوان می‌شود. وزارت کار هنوز از مالکیت مشروع حرف می‌زند. این هنوز روشن نکرده که مالکیت خصوصی است و یا عمومی، ولی ما با محاسبات خود می‌دانیم که منظور آن‌ها چیست. آن‌ها حرف از ملی کردن صنایع می‌زنند حال آن که صنایع فقط دولتی شده‌اند.

جلسه کانون با سخنرانی عده دیگر از کارگران که صحبت‌های رئیس جلسه را تأیید می‌کردند پایان یافت.

### تهران - وزارت کار - هفته شوراها ۲۸ تا ۳۰ بهمن

در جلسات این سمینار حدود ۱۰۰۰ نفر از شوراهای کارخانجات ۲۵ شهر بزرگ شرکت داشتند از جمله شوراهای کارگران جنرال موتورز، کشتی سازی بوشهر، قند نیشابور، پشم شیشه شیراز، سازمان گسترش صنایع تبریز، یزدباف، زامیاد، سیمان شمال، سیمان صوفیان، ناز اصفهان، ذوب آهن کرمان، کارکنان عملیات حفاری بوشهر، خیابان کرمان، کیان طایر، شورای اسلامی کارگران خراسان (۳۰ کارخانه)، شورای کارخانجات گیلان (۳۷ کارخانه)، سیمان تهران، سیمان نکا.

موضوع مورد بحث ارائه نظریات نمایندگان شوراهای در باره کار و هدف شوراها و حدود وظایف شوراها در رابطه با مدیریت بود.

ابتدا نعمت‌زاده وزیر کار صحبت کرد: ... کارگراها به ما می‌گویند چه فرقی کرده است که یک مدیر رفته و یک مدیر دیگر آمده است. ما نمی‌خواهیم نظام را از بین ببریم همان طوری که امام گفته ما با نظام سرچنگ نداریم، ما با آدم‌های نظام سرچنگ داریم که باید عوض شود نه نظام. نظام باید باشد، فرمانده واحد باید باشد، اطاعت زیردست از بالادست باید باشد، افرادی که نظام توحیدی را قبول ندارند نیایند سرکار.

وزیر، با نظام گذشته که دوباره حاکم شده سرچنگ ندارد بلکه عملاً با شورا و هر تشکل

کارگری به عنوان یک نظام نو سر جنگ دارد چرا که شوراها و تشکلات کارگران و دیگر زحمت‌کشان با اطاعت کورکورانه آن‌طور که وزیر کار می‌خواهد در تضاد است. یکی از کارگران در همین جلسه گفت: «در این مملکت هیچ مقام مسئولی شورا را قبول ندارد.» وزیر کار می‌گوید: «همان‌طور که اسلام شورا را قبول دارد، اصل رهبری و مدیریت را هم قبول دارد.» مشکل وزیر هم از همین جا شروع می‌شود. او و همه مسئولین که شورا و تشکلات کارگران که واقعاً کارگری باشد را قبول ندارند در جستجوی راهی هستند که بتوانند این دورا با هم تطبیق دهند و در واقع در جستجوی این هستند که چگونه باید مدیریت دولتی و کارفرمایی را تحکیم کنند و در عین حال سر کارگران شیعه بمانند که قدرت در دست شما است.

پس از وزیر کار نوبت به وزیر صنایع و معادن می‌رسد و می‌گوید: «کارگران باید کوشش کنند و بیشتر تولید کنند و کم‌تر بخواهند. بیشتر احساس مسئولیت کنند و کم‌کاری نکنند و بیش از حد خود نخواهند. کم‌کاری و اعتماد در سطح کشور ایجاد گرانی می‌نماید. دست از راحت‌طلبی بردارید و صبر و تحمل کنیم، محصولات را به نحو احسن به بازار عرضه کنیم، هدف رفاه مادی فوری نیست. معیار اخلاقی را به یاد داشته باشیم... و سرانجام شورا بایستی در کنار هیئت مدیره بر کارها نظارت کند نه دخالت...»

وزیر صنایع و معادن جمهوری اسلامی کارگران را متهم به کم‌کاری و راحت‌طلبی می‌کند و بعد هم گرانی اجناس و کالاها را که ناشی از بحران اقتصادی و سیاسی رژیم سابق و رژیم کنونی است، بحرانی که زاینده حرص و آز صاحبان سرمایه و دیگر صاحبان وسایل تولید است، را به گردن کارگران می‌اندازد. وزیر صنایع و معادن کارگران را به صبر و تحمل فرامی‌خواند تا استمارگران فرصت کافی داشته باشند که دو باره همه تشریان‌های حیاتی کشور را در دست گیرند و برای این کار وزیر از کارگران می‌خواهد معیار اخلاقی را در نظر داشته باشند. اخلاقی که وزیر سرمایه‌داران و استمارگران از آن سخن می‌گوید یعنی پذیرش استعمار بیشتر کارگران، توسط سرمایه‌داران، یعنی پذیرش گرسنگی بیشتر برای کارگران و راحت‌طلبی بیشتر برای سرمایه‌داران، و سرانجام یعنی این که کارگران بیش از آن حد که ما (حاکمان جدید) برای شما تعیین کرده‌ایم، نخواهید، نخوردید و استراحت نکنید چون ممکن است دیگر جیب‌های ما به سرعت سابق پر نشود و بالاخره در کنار هیئت مدیره نظارتی هم می‌توانید بکنید ولی دخالت در امور نه برای ما بلکه برای شما اکیداً ممنوع است چون این با

اخلاق ما جور در نمی آید.

وقتی کارگری می خواهد از وزیر سؤال کند، گرداننده جلسه و مسئول اداره کردن مسائل شوراهای وزارت کار فریاد می زند: "برادر نظم اسلامی داشته باشید، آقای وزیر برای جواب دادن به سؤالات شما نیامده، سمینار جای سؤال و جواب نیست." خوب می دانیم که سمینار وزیر جای شیره مالیدن سر کارگران است. برای خفه کردن کارگران نه تنها معیار اخلاقی (اخلاق و وزراء، اخلاقی ملایان، اخلاقی استثمار هر چه بیشتر کارگران) لازم است بلکه این معیارها باید بر زمینه ظمی صورت گیرد. این نظم، نظم سرمایه، نظم بهره کشی و استثمار است که امروزه حاکمان جدید بر آن رنگ اسلامی زده اند. فریاد اعتراض کارگران بر علیه حامیان این نظم فضای سالن سمینار را پر می کند. در حالی که یک نفر عکاس مشکوک مرتب از کارگران معترض، کارگرانی که به خود جرأت سؤال کردن از وزیر جمهوری اسلامی می دهند عکس می گیرد.

نوبت به کارگری از سیمان تهران می رسد که می گوید: "ما کارگران سالیان سال محرومیت کشیده، تولید کرده ایم، زحمات انقلاب را بر دوش کشیدیم، اعتصاب کردیم تا انقلاب به پیروزی برسد ولی باز هم همان سمینارهای فرمایشی دوران طاغوت، خودشان می برند و خودشان هم می دوزند. این ها چرا باید برای ما تصمیم بگیرند. من برای آقای وزیر متأسفم که می آید چند مطلب را این جا سرهم می کند و به خورد ما می دهد. ما از این حرف ها زیاد شنیده ایم. روز جمعه خواستیم چند سؤال از وزیر صنایع بکنم جواب می دهد الان وقت نداریم و نماز جمعه را به سؤالات ما ترجیح می دهد. آقایان می گویند برادرها نظم اسلامی داشته باشید. آیا نظم اسلامی این است که بنده بیایم این جا بنشینم و هیچ حرفی نزنم و همه حرف ها را فقط گوش کنم و آن وقت گردانندگان سمینار بروند در رادیو و تلویزیون و مطبوعات بگویند به چه کارگران با ظمی؟ این است نظم اسلامی؟ تخیر آقایان نظم اسلامی این نیست. نظم اسلامی این است که من فریاد خود را با صدای بلند به گوش آن کارگران ستم دیده کوره پزخانه ها و آن کارگران آفتاب سوخته سیمان تهران و آن کارگری که در ته معدن صدها متر زیر زمین کار می کند برسانم. پس کو رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی؟ چرا از تجمع کارگران می ترسید؟ شورا نظارت کند یعنی چه؟ نظارت یعنی دخالت، آقایان اگر مدیر من سوء استفاده کرد شورا دستش را گرفت یعنی دخالت کرده است. شورا باید امور کارخانجات را به عهده بگیرد، مدیر انتخابی دولت هم نظارت می کند به شورا. در این موقع به جای خبرنگار

راد یو یا تلویزیون یا مطبوعات عکاسی باشی سمینار که خود از دارو دسته طرف داران نظم اسلامی بود برای برقراری نظم باز هم از کارگران معترض عکس می گرفت که با فریاد "عکس گرفتن موقوف" کارگران رو به رو شد. همان تعداد عکس برای فرستادن چند کارگر به زندان برای برقراری نظم اسلامی برای برقراری رژیم جمهوری فعلاً کافی است. بار دیگر حاکمان می توانند به دست عکاس خود مسلسل بدهند، تا در جا کار را یکسره کند.

کارگر سیمان سخنان خود را با این جمله پایان داد: "هر قانونی که دور از چشم کارگران و بدون نظر کارگران پشت پرده تصویب شود از نظر ما آن قانون محکوم است."

پس از سخنرانی چند نفر از نمایندگان نوبت به نماینده شورای پشم شیشه شیراز رسید: "من متأسفم که بعضی برادران کارگر می آیند این جا و بیستهاد می کنند که شورا باید در امور کارخانجات نظارت داشته باشد، خیر آقایان، برادران و خواهران، شورا باید حق اجرایی و قدرت داشته باشد بدون حاکمیت شورا در کارخانجات چرخ کارخانه های ملی شده نمی چرخد، باید در تمام موارد اعم از خرید مواد اولیه، تولید، فروش و هزینه مستقلاً عمل کند."

بعد از سخنرانی نماینده شورای کارخانه پشم شیشه شیراز رشته سخن را کارگری از جنوب به دست گرفت: "من از جنوب می آیم، هم وطنانم در جنوب روی آب شناورند... این ما بودیم که شریان های نفت این آب و خاک را که سالیان سال به جیب امپریالیست ها می ریخت بستیم. این ما کارگران و زحمت کشان بودیم که زحمات این انقلاب را به دوش کشیدیم. کارگران حق را با حقوق اشتباه نگیرید. اول حق را بشناسید بعد به دنبال حقوق بروید. آقای وزیر این حکومت مال مستضعفان است، حکومت مال کارگران است. این کار کارگرانست که چرخ های این مملکت و دنیا را به گردش در می آورد. ما باید حکومت کنیم. شوراها باید در کارخانه ها اعمال حاکمیت کنند." کف زدن شدید کارگران!

"دانشمند" عامل وزارت کار و میان دار جلسه با عصبانیت گفت نماینده کارخانه های جنوب خودشان خودسرانه وقت گرفتند و خودشان صحبت کردند که فریاد کارگران بلند شد "ما این وقت را به او دادیم." در میان همه کارگران نماینده شورای صنایع اراک پشت میکروفون قرار گرفت و شروع کرد به خواندن قرآن. یکی از کارگران فریاد زد: "احتیاج نداریم که برای ما قرآن تلاوت کنند" نماینده شورای صنایع اراک گفت: "حضرت رسول فرموده است که در موقع تلاوت قرآن بایستی سکوت را رعایت کرد" و معلوم شد که برای این

حامیان نظم قرآن خواندن نیز وسیله ایست برای ساکت کردن دیگران. کارگر معترض جواب داد: 'تا قرآن را چه کسی بخواند، عامل سرمایه دار و یا کارگر.'

پس نماینده شورای صنایع پوشش گیلان ضمن اعتراض به سمینارهای فرمایشی و از پیش برنامه ریزی شده گفت: 'آقای وزیر در این مملکت انقلاب شده ما نمی توانیم قانون را که پشت درهای بسته به تصویب می رسد قبول داشته باشیم. امروز حقایق را و قانون را به میان مردم باید برد. شورا باید اعمال حاکمیت داشته باشد. ما با تمام قوا کارخانه را به دست می گیریم. امور تولید، فروش، مواد اولیه، هزینه و کیفیت محصول را دقیقاً مورد بررسی قرار می دهیم. باید چرخ های کارخانجات به دست شورا به گردش درآید نه به دست سرمایه داران استمارگر. اعمال حاکمیت شوراها در کارخانجات باید در قانونی که تصویب می شود قید شود. کارگران متحد شوید و از شوراها دفاع کنید. نگذارید شوراها لوٹ شوند.'

به دنبال صحبت های نماینده شورای صنایع پوشش، 'دانشمند'، عامل نظم که حتی از خیال این که روزی شوراها واقعی همه قدرت را به دست گیرند و نظم کارگران را نه تنها بر سینار که بر سراسر کشور حاکم گردانند به وحشت افتاده بود ختم جلسه را اعلام کرد و هنوز حرفش تمام نشده بود که فریاد نماینده شورای تراکتورسازی تبریز چون رعد به صدا درآمد: 'چرا نمی گذارید افشاگری کنیم؟ چرا نمی گذارید حقیقت را بگوئیم؟' وی به خواست همه کارگران پشت میکروفون رفت و رو به طرف وزیر صنایع گفت: 'در روز قیام از ساواک سلطنت آباد مقداری اسامی ساواکی به دست آوردیم و پس از نشان دادن به وزیر صنایع ایشان گفتند که این اسامی را به شورا ندهید. چرا گفتند؟ می دانید چرا؟ چون اسامی مدیران جدیدی که از طرف دولت تعیین شده بودند در آن لیست دیده می شد. چرا ساواکی ها را از کارخانه بیرون نمی کنید. شوراها باید ساواکی ها را شناخته و بیرون کنند.'

نماینده شورای تراکتورسازی نمی دانست که مدتی بعد - حدود یک ماه بعد - آب توبه ملایان همه ساواکی ها را ظاهر خواهد ساخت و آن را در کنار دیگر معتقدان به حاکم جدید به برقراری نظم اسلامی می گمارد.

بار دیگر 'دانشمند' عصبانی شد و این بار سر هم دردی با ساواکی ها جلسه را ختم شده اعلام کرد و نگذاشت صحبت های نماینده شورای تراکتورسازی ادامه یابد. در میان همه های که پس از سخنان 'دانشمند' به وجود آمد کارگری از کرمانشاه رو به کارگران کرد و گفت: 'از این صحبت ها نتیجه گیری می کنیم: ۱ - شورا باید اعمال حاکمیت داشته باشد. ۲ - شوراها

باید در تمام امور کارخانجات دخالت کنند تا نگذارند صاحبان فراری آن‌ها دوباره برگشته و شروع به استثمار کارگران کنند. ۳- کارگران تشکیلات خود را در اتحادیه‌ها و شوراهای مشکل کنید و ۴- از تفرقه و دوستگی بپرهیزید تا پیروز شوید.

### تهران - کنگره اسلامی مسجد الجواد ۵۸/۱۱/۲۵

روز پنجشنبه ۲۵ بهمن کنگره شوراهای اسلامی در مسجد الجواد برگزار شد. ۲۰۰ نفر از نمایندگان کارگران شوراهای کارخانجات مختلف در این جلسه شرکت داشتند. در این کنگره که دو روز و در چهار جلسه برگزار گردید ابتدا آیت‌الله خامنه‌ای طی سخنانی گفت: «شورا باید در کنار مدیریت قرار گیرد نه در متن آن. مدیر باید در رابطه مشورتی با شورا باشد، خط مشی کلی وقتی تضمین می‌شود که شوراها نظرات کلی خود را بدهند و مدیر باید با توجه به نظر کارکنان آن جا را اداره کند. شورا برای جامعه ما یک نهاد تازه و نو است ما تجربه‌ای نداریم حالا که چنین است نمی‌گویم که این شوراهای هستند که باید یک کارخانه را اداره کنند زیرا اداره یک کارخانه ابعاد گوناگونی دارد. در اسلام سرمایه‌دار وجود ندارد و کارفرما نیست بلکه باید گفت که چون کارگران عمال ملت هستند و مدیران کارخانجات هم مزدور ملت هستند پس هر دو در یک سنگرند و مدیر و کارگر باید در رابطه با خدمت به ملت و مملکت با هم مشورت کنند.

آقای خامنه‌ای عضو شورای انقلاب برای آن که آب توبه بر سر سرمایه‌داران بریزد چاره‌ای ندارد که آن‌ها را در سنگر کارگران قرار دهد. لکن کارگران در طول مبارزات تاریخی خود ثابت کردند که نه تنها دشمن آشتی‌ناپذیر سرمایه‌داران بلکه دشمن آشتی‌ناپذیر همه آن کسانی که بخواهند آب توبه بر سر سرمایه‌داران بریزند، بوده و هستند. کارگران با آگاهی طبقاتی خود به درستی پی می‌برند که حاکمان نو رسیده در کدام سنگر قرار گرفته‌اند که این‌گونه سنگ سرمایه‌داران را به سینه می‌زنند.

به دنبال سخنان خامنه‌ای وزیر کار نیز در جهت دفاع از سرمایه‌داری می‌گوید: «متأسفانه طی گفتار، ما مسئله نظام سرمایه‌داری را با نظام مدیریت و مسئولیت اشتباه کرده‌ایم، به هر حال مدیریت به عنوان اصل مسلم در تاریخ انسان و اسلام مورد قبول واقع شده و الی‌الیوم القیامه نیز باید باشد و این در شأن ما نیست که مسئولیت‌ها و سلسله مراتب را لوث کنیم بگوییم همه مثل همه و تخصص بی‌مورد است.»

وزیر کارفرما نیز مانند عضو شورای انقلابش برای آن که از تیر خشم کارگران در امان بماند نظام سرمایه‌داری را لباس نو می‌پوشاند و آن را با نظام مدیریت! می‌پوشاند تا به این وسیله نشان دهد که در شأن او نیست که سرمایه‌داری لوث شود بلکه سرمایه‌داری امروز باید اشکال و شیوه‌های دیگری برای استثمار پیدا کند و این شیوه جدید همان "نظام مدیریت" است که عمال سرمایه آن را به عاریه گرفته و به کار می‌گیرند.

وزیر کارفرما در مقابل نظرات کارگران که خواستار دخالت در امور کارخانه‌ها بودند گفت: "ما نمی‌گوییم که مدیریت به کارکنان سلطه داشته باشد و یکه‌تازی کند، اما شورا هم نباید در آن مرحله‌ای قرار گیرد که دخالت غیرمنطقی در مسایل و اموری که به آن آگاهی و شناخت ندارد داشته باشد، شورا نباید رو در روی مدیریت قرار گیرد، شما توجه داشته باشید که باید خواسته‌هایی مطرح کنید که با مسایل کل جامعه مطرح باشد نه صرفاً خواسته‌های صنف خودتان."

همین نعمت‌زاده در پاسخ خواست‌های کارگران گفت: "که کلمه باید را بهتر است از فرهنگ و لغات حذف کنیم، این کلمه مؤدبانه نیست. چرا شما در رابطه با خواسته‌های‌تان کلمه باید را به کار می‌برید."

وزیر کارفرما وقتی از دخالت غیرمنطقی صحبت می‌کند، در واقع می‌گوید این منطق ماست که باید پیش برود، مسایل و اموری وجود دارد که دخالت شما ظلمتس را به هم می‌زند، شورا نباید در مقابل مدیریت بایستد بلکه باید تحت نظر و سلطه سرمایه‌داران که امروز لباس مدیریت فرورفته‌اند باشد. وزیر کارفرما فریب کارانه از یاد می‌برد که مسئله شورا امروز نه تنها مسئله طبقاتی کارگران است بلکه از جمله مسایل دهقانان، سربازان، فرهنگیان، دانش‌آموزان و غیره و غیره است و بدین ترتیب موضوع شورا یکی از مسایل و مشکلات عمومی طبقات جامعه است. شورا باید در فکر کل جامعه باشد نه صنف خود، وزیر کارفرما با این حرف کل جامعه را از کارگران جدا می‌کند و مصالح زحمت‌کشان را مصالح سرمایه‌داران می‌داند، اگر کارگران برای خواست‌های طبقاتی خود مبارزه کنند حاکمان نو رسیده و ۳-۴ به دست‌ها را سرشان می‌فرستند که ما فعلاً با امریکا مبارزه می‌کنیم. بیشتر نخواهید و وقتی کارگران برای کل جامعه مبارزه می‌کنند و می‌خواهند از طریق دخالت در تولید سهم بیشتری از ثروت اجتماعی را در اختیار زحمت‌کشان جامعه قرار دهند مقامات رژیم می‌گویند شما مصالح مدیریت (سرمایه‌داران) را در نظر نمی‌گیرید.



نعمت زاده و قیاحانه می‌خواهد کارگران کلمه باید را از فرهنگ‌شان حذف کنند چرا که در اخلاق سرمایه‌داری این کلمات از زبان زحمت‌کشان مزدبانه نیست. خصمانه است و باعث رنجش آقایان می‌شود و آن وقت در فرهنگ خود در دفاع از مدیریت سرمایه‌داران می‌گویند: 'باید الهی الیوم القیامه باشد' و در شأن ایشان نیست که حذف شود و یا وقتی می‌گوید: 'باید خواسته‌هایی مطرح کنید که با مسایل کل جامعه مطرح باشد.' در واقع ریاکارانه می‌گوید باید با مصالح 'ما' جور در بیاید و مصالح کل جامعه از نظر 'ما' یعنی خود 'ما'.

پس از صحبت‌های وزیر یکی از کارگران سیمان تهران در رد این نظر که شورا فقط باید نظارت کند گفت: 'نظارت تنها هیچ مشکلی را حل نمی‌کند. شورایی که نتواند در امور جاری کارخانه دخالت کند ده شاهی نمی‌ارزد.'

کارگر دیگری در تأیید حرف دوست کارگرس گفت: 'شورا حتماً باید در امور دخالت کند من نمی‌توانم در شورا باشم، دزدی مدیر عامل یا عناصر کارفرما را ببینم ولی به خاطر این که حق دخالت ندارم مجبور شوم خفقان بگیرم و دم زنم.' شاید برای آیت‌الله خامنه‌ای و شورایی ایشان کاملاً روشن شده باشد که کارگران سنگرشان را خوب می‌شناسند و در مقابل ستم و استعمار هم خفقان نمی‌گیرند و خیلی صریح و ساده هم می‌گویند: 'آقایان بهتر است شما خفه‌خون بگیرید. ما نه تنها می‌توانیم بدون مداخله طبقه سرمایه‌دار در صنایع بزرگ کشور از عهده کارها به خوبی برآیم بلکه می‌بینیم که دخالت شما بیشتر و بیشتر به صورت مزاحمت در می‌آید، کنار بروید و به طبقه کارگر فرصت دهید تا نشان بدهد قادر به چه کارهایی است.' نماینده کارگران تولید دارو نیز در ضمن سخنان خود می‌گوید: 'اولاً شورا باید در تمام کارخانه از لحظه برنامه‌ریزی، خرید، بستن قراردادها، تولید و توزیع نظارت داشته باشد، ثانیاً قدرت اجرایی در تعیین سرنوشت خود (سیاسی - اجتماعی و رفاهی) داشته باشند، ثالثاً اعضای شورا باید مصونیت سیاسی داشته باشند.'

کارگران تا قلب مسئله بیش می‌آیند و یکی از کارگران ادامه می‌دهد: 'صریحاً می‌گویم مادامی که حدود و ثغور مالکیت تعیین نشود، مسئله شورا حل نخواهد شد چون ممکن است شورا با مالکیت خصوصی تناقض پیدا کند قبل از تدوین اساس‌نامه باید حدود مالکیت روشن شود.'

و برای تعیین حدود مالکیت می‌دانیم که باید وضع قدرت سیاسی تعیین شود؛ قدرت سیاسی در دست کارگران و دیگر زحمت‌کشان و یا در دست سرمایه‌داران و دیگر

استمارگران؟ به این جهت بدون گرفتن تمام قدرت سیاسی، شوراهایی که به کار کنترل و برنامه‌ریزی و مدیریت می‌پردازند چیزی نخواهند بود جز ابزار منافع حاکمان. چون حاکمان جدید وضع مالکیت را در قانون اساسی خودشان در اصول ۵۴ و ۵۵ روشن کرده‌اند.

یکی دیگر از نمایندگان شورا چنین آغاز می‌کند: «بزرگ‌ترین چیزی که از ما گرفته‌اند، شخصیت ما کارگران بوده است. در سخنان دیروز آقای خامنه‌ای (که مورد تأیید شورای انقلاب است) ایشان با توجه به این که شورا را یک نهاد نازهای عنوان می‌کند و سر آخر به این نتیجه می‌رسد که شورا در کنار مدیریت انجام وظیفه کند، مسئله شورا نباید به صرف این که یک مسئله تازه است، در کنار مدیریت مورد بررسی قرار گیرد خواست ما کارگران این است که با این مسئله یک برخورد انقلابی بشود و در این راه از هیچ کاری کوتاهی نکنیم».

کارگر دیگری مسئله شورا را این طور ادامه می‌دهد: «شورا باید تبلور اندیشه و خواست‌های طبقاتی کارگران باشد نه شورایی که دولت موقت پیشنهاد کرد. شورا باید بر کلیه امور حق دخالت داشته باشد، چون سرمایه‌داران به کلیه حیل‌ها و توطئه‌ها متوسل می‌شوند که منافع خویش را حفظ کنند».

در پایان قطع‌نامه‌ای صادر شد که در آن از جمله گفته شد: «... ما مخالفت صریح خود را با هر آئین‌نامه و اساس‌نامه که در آن شوراها عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی تلقی می‌شوند اعلام می‌داریم، ما خواستار تعیین حدود و ضوابط دقیق مالکیت هر فرد می‌باشیم، ما خواستار رسیدگی به اموال سرمایه‌داران و کارخانه‌داران می‌باشیم» بدیهی است که همه آن‌ها از دست‌درنج و از آن کارگران است. «ما خواستار ملی شدن کلیه سرمایه‌ها و سودهای حاصل از غارت سرمایه‌داران وابسته و غارت‌گر و فراری و برنامه‌ریزی به منظور محو سرمایه‌داری به نفع مستضعفین هستیم».

### شیراز - کنگره اسلامی شوراهای کارخانجات استان فارس اسفند ۵۸

در این کنگره نمایندگان شوراهای هیجده کارخانه شرکت داشتند تعداد شرکت کنندگان روز ۵ اسفند ۶۰۰ نفر، روز ۶ اسفند ۶۰۰ نفر و ۷ اسفند ۶۰۰ نفر.

این کنگره به دعوت دانشجویان مسلمان و کانون اسلامی شوراها، کارگران کارخانجات استان فارس شامل کارخانه‌های خوش طعم، صنایع الکترونیک، ایران فایدا، بریجستون، آزمایش، ایران بتون، پارچه بافی نگار، ایران بایکا، پشم شیشه، پلاستیکو تکسیک، شیراز گاز،

شیراز، کاشی و سرامیک، حافظ، برزیان، روغن نباتی فرگس، کارخانجات شیبایی شیراز، عمران شهرداری، شرکت دارویی و آرد، و اتوبوس‌رانی دانشگاه و... و با دعوت از استان‌دار فارس و وزیر صنایع و معادن برپا شد.

بحث کنگره مسئله شورا و دیگر مشکلات کارگری و شعار کنگره آگاهی‌تشنه بود. در اولین جلسه استان‌دار ضمن یک سخنرانی گفت: "... مالکیت فردی و خصوصی مقدس است، اما نباید مالکیتی وجود داشته باشد که بهره‌کشی از دیگران بکنند. زکات، خمس، عشر می‌تواند از توسعه مالکیت فردی و خصوصی جلوگیری کند."

در کنگره گزارش‌هایی توسط کارگران داده شد از جمله: "نماینده اتوبوس‌رانی طی سخنانی اخراج و دستگیری و محکومیت کارگرانی که علیه سرمایه‌داری مبارزه می‌کنند را در دادگاه انقلاب اسلامی شیراز محکوم کرد و ادامه داد: 'مالکیت خصوصی در اصل ۴۴ و ۵ قانون اساسی تأیید و تأکید شده و باید اصلاح شود.

پس از وی کارگر دیگری گفت: "هدف سرمایه‌داران استثمار کارگران و بهره‌کشی از نیروی کار آنان است. مسایل کارگری ما را در نظر نگرفته و نمی‌گیرند. در رژیم کنونی باید به مشکلات کارگران رسیدگی شود. مسایل رفاهی، حقوق معوقه، سود ویژه، عیدی کارگران را باید شوراها در کارخانجات انجام دهند. برای مقابله با سوداگرانی که تولیدات کارخانجات را می‌خرند و دو برابر می‌فروشند باید در شیراز مراکز فروش باشد و ما تولیدات را به نمایندگی‌ها بفروشیم... مقامات رژیم گفته‌اند ما کارگران راحت‌طلب هستیم و گفته‌اند باید موقیبت حکومت را در نظر بگیریم از افزون‌طلبی پرهیزیم (اشاره به سخنان احمدزاده). آیا ما کارگران راحت‌طلب هستیم؟ آیا ما افزون‌طلب هستیم؟ آن‌ها خود اعتراف می‌کنند که بخشی از سرمایه از راه دزدی به دست آمده ما می‌گوییم که همه این سرمایه از راه دزدی به دست آمده است. آن سرمایه‌دار از کجا آورده؟ مگر نه این که خون ما را در شیشه کرده و با دست‌رنج ما پول انباشته و شکمش را گنده کرده. می‌گویند بهترین جنس را با ارزان‌ترین قیمت تولید کنید. مسئله ما هم همین است. ولی وقتی شوراها کارگری دارای قدرت اجرایی بوده باشند تمام این مسایل حل می‌شود. در سراسر ایران مدیران کارخانجات همان سرمایه‌داران و شکم‌گنده‌های سابق‌اند که حالا می‌گویند شورا حق ندارد و اصلاً بهش نیامده که در مدیریت دخالت کند. آن‌ها که مخالف قدرت شورا باند برای حفظ منافع خود تلاش می‌کنند، اگر سرمایه‌داران همان اعمال قبلی را انجام دهند مسلماً شورا نخواهد پذیرفت. وقتی مسایل ما

حل می‌شود که تمام کارخانه‌ها واقعاً ملی شود.

در کنگره رو در روی کارگر و سرمایه‌دار در زیر حجاب اسلامی گردانندگان کنگره (که در برگیرنده هر دو بود) مخدوش می‌شد، ولی گزارش وضع کارگران یک کارخانه این رو در روی را دوباره آشکار می‌ساخت. در مورد شورا و سندیکا جهت گیری کل کنگره مخالفت با شکل‌گیری سندیکا و تقدم شورا بود. حاصل کار کنگره تنظیم قطع‌نامه‌ای در ۱۱ ماده بود شامل مواد:

۵- برای نفی هرگونه استثمار و تحقق حاکمیت کارگران بر سرنوشت خود، قوانین ضد کارگری لغو و قوانین جدید کار یا شرکت فعال کارگران ...

۶- ما اقدامات محافظه کارانه مسئولین در جهت تثبیت شوراهای ظاهری و مشورنی را محکوم کرده و معتقدیم که بایستی شوراها اساسی‌ترین نقش را در کارخانه داشته باشند.

۷- مدیریت در کارخانه‌ها یک تخصص نیست این امر جزو یکی از وظایف شوراها می‌باشد.

براین اساس باید آیین‌نامه شوراها به صورتی تدوین یابد که قدرت کنترل کارخانه و دخالت مستقیم کارگران در کلیه امور همراه با تصمیم‌گیری کامل تحقق یابد.

## تقسیم جنسی کار و عوام‌فریبی "کار و کارگر"

میترا سترگ (مehوش نظری)

توضیح پژوهش کارگری

آخرین مقاله تحقیقی‌ای که میترا قبل از بیماریش مشغول نوشتن آن برای کتاب پژوهش کارگری بود، مطلبی است در باره جنبش کارگری در اسپانیا. او قصد داشت مقاله را در دو قسمت تنظیم کند، اما تنها موفق شد استخوان بندی و اساس بخش اول مقاله‌اش را روی کاغذ بیاورد. در بخشی از مقاله مذکور نوشته بود:

"در بخش اول این مقاله که در این شماره به چاپ می‌رسد، به جنبش کارگری اسپانیا، شرایط عمومی و تاریخی و رویدادهای مهم سیاسی در این کشور تا شروع جنگ داخلی در اسپانیا پرداخته می‌شود. در شماره بعدی پژوهش کارگری، بخش دوم این مقاله منتشر خواهد شد. در آن سعی می‌شود در حد توان تجارب و اقدامات عملی خودپویی کارگران و زحمت‌کشان را در عرصه‌های خودمدیریتی و خودگردانی تولید انعکاس داده و تحلیل‌ها و جمع‌بندی‌های ارائه شده نسبت به آن‌ها طرح گردد."

ما قسمت اول مقاله او را برای چاپ در شماره آینده پژوهش کارگری آماده خواهیم نمود، و اگر توانستیم براساس طرح او قسمت دوم مقاله را نیز به نگارش درآورده، در

شماره‌های آتی چاپ خواهیم کرد.

اما مقاله "تقسیم جنسی کار و عوام‌فریبی کار و کارگر" که برای این شماره در نظر گرفته‌ایم، مطلبی است که حدود ۲ سال و ۹ ماه پیش توسط میترا سترگ نوشته شده است. این نوشته برای اولین بار در "کارگر بیدار" نشریه انجمن کارگران پناهنده و مهاجر ایرانی، شماره ۲۸، سال دهم، آبان‌ماه ۱۳۷۶ به چاپ رسیده است. تجدید چاپ مقاله اخیر فقط به منظور زنده نگاه داشتن خاطره و نام میترا نیست، بلکه به دلیل موضوعیت داشتن آن نیز هست.

میترا در این مقاله موضوعی را مورد بررسی و نقد قرار می‌دهد که امروز نیز مطرح و زنده است. خواننده با مطالعه مقاله احساس می‌کند که گویا نویسنده آن همین دیروز مطلب را نوشته است.

### مقدمه

بی حقوقی‌ای که رژیم جمهوری اسلامی به زنان تحمیل کرده است بر همگان آشکار است. اما زنان ایران با مبارزات خود در عرصه‌های مختلف به رژیم اسلامی ناپت کرده‌اند که قربانی دست‌بسته آن نیستند. در این راستا روشنفکران، نویسندگان و پژوهش‌گران هر یک به نحوی و با نگرش ویژه خود با مایه گرفتن از مقاومت زنان در برابر رژیم اسلامی، به مسئله زن پرداخته‌اند. به گونه‌ای که امروز در کم‌تر نشریه، ماهنامه و یا گاهنامه‌ای است که مطلبی در مورد وضعیت زنان درج نگردد.<sup>(۱)</sup>

مقاومت و جنبش اعتراضی - مطالباتی زنان به اندازه‌ای گسترده است که حتی بخشی از جناح‌های حکومتی را نیز ناچار نموده است که به مسئله زن در نشریات خود بپردازند. به عنوان مثال می‌توان از روزنامه "کار و کارگر" ارگان "خانه کارگر" و نماینده نظریات انجمن‌ها و شوراهای اسلامی نام برد. این روزنامه نیز به ویژه طی چند ماه اخیر مقالاتی را به این امر اختصاص داده و حتی "ویژه‌نامه زن" نیز منتشر نموده است.

روی آوری جناح‌های حکومتی به مسئله زن و قلم‌زدن در این باره، از چند نظر مهم به نظر می‌رسد:

۱- این موضوع که نگرش و زاویه برخورد هر کدام از این نویسندگان به مسئله زن چیست، امری است که به بررسی مستقلی نیاز دارد.